

نموده است حتی آنکه بعضی اشخاص که چندین معروف و مشهور نبودند از پانصد ششصد الی دوهزار  
 تومان وجه اعانه داده اند ( و نیز نوشته اند که از جانب دولت مزبور این اوقات بقرض کردن  
 دولت میان فلورین سترار داده شده یکصد ملیان متجاوز از کارخانها سیک در ویانزست تعداد  
 کرده اند ) در روزهای انگلیس نوشته اند ولید علی حضرت پادشاه انگلستان که از چند می قبل در  
 رواج تحصیل علوم و معارف متوقف بود این اوقات بطرف انگلیس عزیمت کرده و رفته است  
 از فرانکجه در روزهای فرانکستان نوشته اند حضرت امپراطور روسیه اباقیم مقام امپراطور  
 پروسیا ملاقات کردن لازم شده بوده است قرارداد مذکور در فرانکستان در شهر شلوویچ ملاقات  
 نمایند لکن تعیین وقت هنوز معلوم نیست ( بقراریکه در روزهای آتیه نوشته اند هر سال موسم باستان  
 مجلس ملت گشاده میشود بعد از آنکه موقوفه که موسم متفرق گشتن اعضای مجلس میکرد دولت یونان  
 یکروز خود بجلس میرود اما سال نیز بنا بعبادت مستمره مجلس مزبور گشاده شده بوده است در اوقات  
 تمام گشتن ملت مجلس دولت مزبور بجلس مذکور رفته در آن مجلس خود بیان و اعلان نموده است که در این  
 مسئله عربیه با بیطرف هستیم و بیطرف خواهیم بود نصیاح دوستانه که از جانب دول روسیه و انگلیس  
 و فرانسه محض جهت خیر خواهی باشد است بحدرا قبول داریم و بر حسب مصلحت و خیر خواهی این دول  
 حرکت کرده و امورات خودمانرا مطابق و موافق همسان نصیاح صورت خواهیم داد و سواهی این  
 نوع رفتار هیچ طوری از اطوار عتسان نخواهیم نمود ( در روزهای مالطه نوشته اند قرال پوپ  
 که چندی قبل وفات نموده و پسر او که بخت حکومت و قرالیت خود و جلوس نموده است قرالیت  
 او را سواهی دولتین فرانسه و سار دنیسه کل دولتهای فرانکستان قبول و امضاداشته اند و  
 در روزهای فرانکستان نوشته اند جمهوریة متحده امریتا در این مسئله عربیه اعلان و اخبار نموده اند  
 که در این باده هر طور که دولت انگلیس حرکت و رفتار بکند ما نیز تبعیت آنها را نموده پیسوجه حرکت خلاف  
 در این باده زما سر نخواهیم زد ) در روزهای المانیان نوشته اند چندی قبل از جانب دولتین  
 انگلیس و اسپانیان امور مخصوصی جهت فهمیدن معلوم کردن کیفیت دعوی دولت ثقه تعیین کرده فرستاده بودند  
 این اوقات از جانب دولت پروسه نفر مخصوص بباردوهای محاربه دولت ثقه نامور و روانه کرده اند  
 و از حوادث و این روزنامه نوشته اند ( طایفه نسوان المانیها کلاما بین خودشان قرارداد  
 که من بعد قماش دیارچه کار پاریس و فرانسه باشد اصفهان نمایند و بنوشند حال بهمان سوال  
 حرکت و رفتار دارند

۲۹۲۲

روزنامه و قیام اتفاقیه بیان یوم پشتمه شریعتیه الحرام مطابقتی قومی نیل سنه



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی همایون

شب دوشنبه دهم که روز شش عید صبحی بود حسب الامر همایون در جلوس عمارت سلطانیه تشریف بازی نمود  
 نموده لوازم جشن عید را مرعی داشتند و روز عید سرکار علیحضرت شاهنشاهی سلام عام فرموده از صبح  
 درگاه فلک بنیان و امرا و عیان و صاحب منصبان داخل نظام و عشیر نظام و از افواج منصوره و  
 جمع چاکران دیوانی که در رکاب مبارک بودند بسلام حاضر شده شرف اندوز خاکپای همایون و  
 فیض یاب حضور بحدت نمون شریاری شد در آن در چهل بسز از نفر از عساکر نظام و غیر نظام  
 در حضور مبارک حاضر بودند بعد از فرمایشات لوکانه و مراسم خدیوانه که در حق چاکران شریف  
 و شتر قربانی را که سحر کرده بودند بحضور مبارک آوردند خطیب باشی خطبه در کمال فصاحت و انمود  
 و شمس الشعرا سنیه قصیده که در مدح سرکار اقدس شاهنشاهی است خوانده بود معروض داشت  
 و از جهت تهنیت بنام نامی همایون قصیده مزبور در روزنامه ثبت میشود

سرکار علیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه شخص شمول کرمات و دلیل مزید استناد  
 خطیر لوکانه نسبت بوزیر دولت خارج کثوب کلهچه ترمه اعلی از البسنة خاصه تن مبارک بمقرری الیه مرت  
 فرمودند [ چون حسن فآر و کفایت تمام خان وزیر مقیم دولت علیه متوقف بطریق معروض میگفت  
 مرحمت دستگاه خدیوانه کردید مشایخه منصب اعلی مخصوص و وزیر بخاری سلف از فرمودند که در این باره  
 روابط دوستی فیما بین دولتین عکسین ایران و روس و انجام خدمات مرجوعه پیشتر سماعی باشد

۲۹۲۳

عبدالله شاه  
نصرتش

که چون لاله اسنان در جبهه اش

باز از آن چون لاله اسنان

مردان را که در جبهه اش

اولی صفت زده در بارکشت جوان  
بوی شمشیر در هر پهلوی برین

بهر زنده است در جبهه اش  
بهر جبهه اش در جبهه اش

نصرتش در جبهه اش  
نصرتش در جبهه اش

امیر اسان در جبهه اش  
کرده در جبهه اش

کرده در جبهه اش  
کرده در جبهه اش

کرده در جبهه اش  
کرده در جبهه اش

است پنداری که در جبهه اش  
کرده در جبهه اش

کرده در جبهه اش  
کرده در جبهه اش

کرده در جبهه اش  
کرده در جبهه اش

کرده در جبهه اش  
کرده در جبهه اش

کرده در جبهه اش  
کرده در جبهه اش

کرده در جبهه اش  
کرده در جبهه اش



تقریب کرده است حتی آنکه در صد سه در صد و در نیم هم سالیانه وجوه نقدی بمراجه داده اند  
در روزنامه های فرانکستان نوشته اند که چندی قبل از انالی امریقا شخصی اسمیت نام از غایت غرور  
بظانته و زکاوت خود بفر و حیال جمعیت مستعد و بسیت غریبه و عجیبه افتاده از کثرت جرزه  
شیطانی در عهد اختراع دین جدید و آیین تازه بر آید چون از جهت استعداد و قابلیت خدادادی مستعد  
بر خیلی چیزها بود در اول بسای تغییر دادن در دین عیسوی گذارده بنا بر این چونی گشتری از عوام و فریب  
خیلی از کسان بی نام و نشان در میان آن کم عقل طریقه قرار داده و از کشف کرامت دم زده و خود را  
علوم بالهات هندی و فیوضات آسمانی شرت داده در توسیع ایر و مذنب هر قدر میتوانست ترویج داد  
و از اینجاست مردم را فریفت خود کرده در اندک دستی متجاوزند پانزده هزار نفر جمعیت بر سر او جمع گشته  
با این جمعیت در سمت شمالی امریقا در مکانی که بنور لولکل مشتمی است قرار و استقرار گرفته در چهار دو  
انضم که مشتمل بر کوچه ها است بنای استحکام گذار و از صاحبان صنایع و از بابان شهر و معرفت که در  
میان جمعیت او بودند بنای فراهم آوردن سر کونه اسباب اذضاع گذارند در آن صحرای برای خود و مقربان  
و معادین خویش عمارت عالی و طوکانه و حمام و معابد و بنا نهادند و بساها ترتیب داد و ساختند روزنامه ها  
نوشته بطراف مشرک و بنید و خلق را بدین محشر عده خود و آیین مجده خویش طلب و دعوت نموده چون در ترویج و تاج  
طریقه سهل پیش گرفته و امر را آسانتر کرده بود اشیا هیکه چند نفر اولاد و دختر داشتند و قادر بشوهر دادن حرم  
خودشان نبودند و سوای اینها از اربابان مواد و موس و قلیل مدتی زیاد از سی هزار نفر و در این شخص اسمیت نام  
جمع شدند و بدینخواه خودشان پیش و عشرت مشغول گشتند پس از آنکه این شخص مشرف در امر و رواج در کا  
خود دید قرار طمع اخذ و داخل را گذارده بنای مردم از اریرا گذار و از یکطرف آن صحرای که راه تردد و داخل  
عده و کلیه بود بنای راه زنی را گذاشته متر و دین انب و فارت کرده و بعل رسائیده مال  
و اموال آنها را تصرف میشد و بار باب صنایع و کسب و داد و ستد انواع ظلم و تعدی کردن آغاز  
بعضی از اصحاب عقل و فراست که در میان جمعیت او بودند پس از ملاحظه کردن این اوضاع بنای متفرق گشتن  
گذارده کم کم راه خود گرفته فرستید چون فراهم آمدن اینگونه اوضاع فعل در استراحت عمومی الی جمهوری امریقا میرسانند  
یک دفعه بقدر سیصد چهار صد نفر بر سر شخص فرستادند و تمام این سیصد چهار صد نفر را گرفته باین  
آن عوص ظلام بخشید پس از آن از جانب جمهوری مقدار کاپ و قشون نامور بگرفتن و دست آوردن این شخص  
کردند در رسیدن قشون جمهوری که بنای جنگ شد خود این شخص دستگیر و گرفتار گردید قدری امریقا  
بعل رسیده باقی دیگر فرار نموده جمعیت ایشان متفرق و تمام گردید

۲۹۲۶

روزنامه و قیام اتفاقیه بیارخ نویم چشمنیروزیم در پنج مطابو سال قومی ۱۲۷۲

نمره چهارصد و چهل و یک

منطقه دار الخلافة طهران



اخبار داخله ممالک مستعمره پادشاهی

اردو و همایون

بعد از آنکه سرکار اقدس همایون شاهنشاهی از آذربایجان بفرستاد عظمی تشریف فرما شد تا آنکه  
 دیگر مالی آن صفحات را از شرفیابی خاکپای مبارک مستعد نسازد و مالی آذربایجان نظر بار اوت نظری  
 زیاده از حد سابق بودند که باری دیگر از فیض و مہمیت لزوم همایون بپایه مہمات و خرمی پستند این  
 و از آنجا که رعایت حقوق خدمات مالی آذربایجان فوق العایه مکنون ضمیر شیر شاه است بہت و الاہمیت ہایون  
 بدان تعلق یافت کہ از سلطانیہ بطرف آذربایجان ہنفت فرمایند و نیک بداموران مہمکت ایدقت ملاحظہ فرمودند  
 ہر کونہ خستلالی حاصل داشتہ باشد بتوجہات طوکانہ مرتفع سازند لہذا ان شاء اللہ بعد از ایام عاشورا  
 از سلطانیہ ہمچن او جان تشریف فرما خواهند شد و چند روزی برای ملاحظہ اردوی نظنامی کہ در آنجا حب  
 الامرتہ در انما نسخہ میباشد در او جان توقف فرمودہ در شہ تبریز نزول اجلال خواہند فرمودہ  
 و شایانہ تعالی در اول ربیع الاول از تبریز دار الخلافہ و مہم سلطنت عظمی مراجعت خواہند فرمودہ  
 شہزادہ چشم الدولہ بعد از آنکہ ہر کاب نصرت اقتساب مبارک شرفیاب شد مذراہی جان آراہی ہمچن  
 شاہنشاهی اقصا نمود کہ ایٹا از حکومت صغیان با سور فرمایند و حکومت اصغیان بجزئی بہ مرحمت  
 شد عربستان و لرستان و بروجرد کہ سابقا محل ایالت ایشان بود را ستار از ضمیر گرامتشان و شہزادہ  
 عہد الدولہ و گذار فرمودند حکومت بروجرد بہ شہزادہ عضد الدولہ سلطان احمد میرزا مرحمت کردید ایالت  
 اعرسہ ستار از بجای علیجان عنایت فرمودہ و در اربعہ ہر چند ضیاء الملک سرافرازی بخشید و فرامین قدوس

۲۹۲۷

حکومت هر یک شرف اصداریافته در خورپایه ایشان جلاع اشعه شعاع مرحمت گردید و از رکاب  
ظفر انتساب مرخص شده روانه محل اموریت شدند مشایخ و خوانین عربستان و لرستان هم که شرفیاب  
خاکپای همایون شده بودند در حق هر یک بنال مرحمت شاهانه بطور رسید و خلعت مبارک عنایت شده  
بانهایت سگر گذاری روانه شده

چون نازندان و استرآباد در غالب امور ولایتی بسته میگردد پیا شد و در این مدت که حکومت آن دو ولایت  
از یکدیگر موضوع بود طریق آخت و تاز و راه دست انداز ترا که ضاله بطور یکد باید مسدود نمیشد و این مرام  
که از مهمام مته و کنون ضمیر شیر شاهنشاهی است بجهت تعویق بود لندارای جهان آرای همایون اقصا فرمود  
که حکومت آن دو ولایت یکی از چاکران با کفایت عنایت فرمایند که در صد آبادی ولایت و خط سرحد  
برآید و ان شاه تعالی طریق دست انداز ترا که رابجلی مسدود نماید و معلوم است که انجام این خدمت  
بزرگ و سرافرازی بحسین حکومت شایسته یکی از متبسان سلطنت عظمی است که بفرید کفایت نیز موصوف باشد  
بنام علی شاه هزاره حاجی کیومرث میرزا ایغانی ایل حلیل قاجاریه که حسن سلوک و فرید کفایت کار داری  
خود را در پایه سر بر اعلی ظاهر ساخته بودند حکومت ایالت نازندان و استرآباد مستقلاً سرافرا  
شدند و بملک آرا نقب گردیدند فرمان جهانمطاع همایون شرف اصداریافته خلعت حکومت در حق  
ایشان مرحمت شد و روانه محل ایالت شدند و نیابت منصب ایشان حسب الامر قدر قدر همایون  
با میرزاده هوشنگ میرزا پسر معزی الیه و اگذارین شد

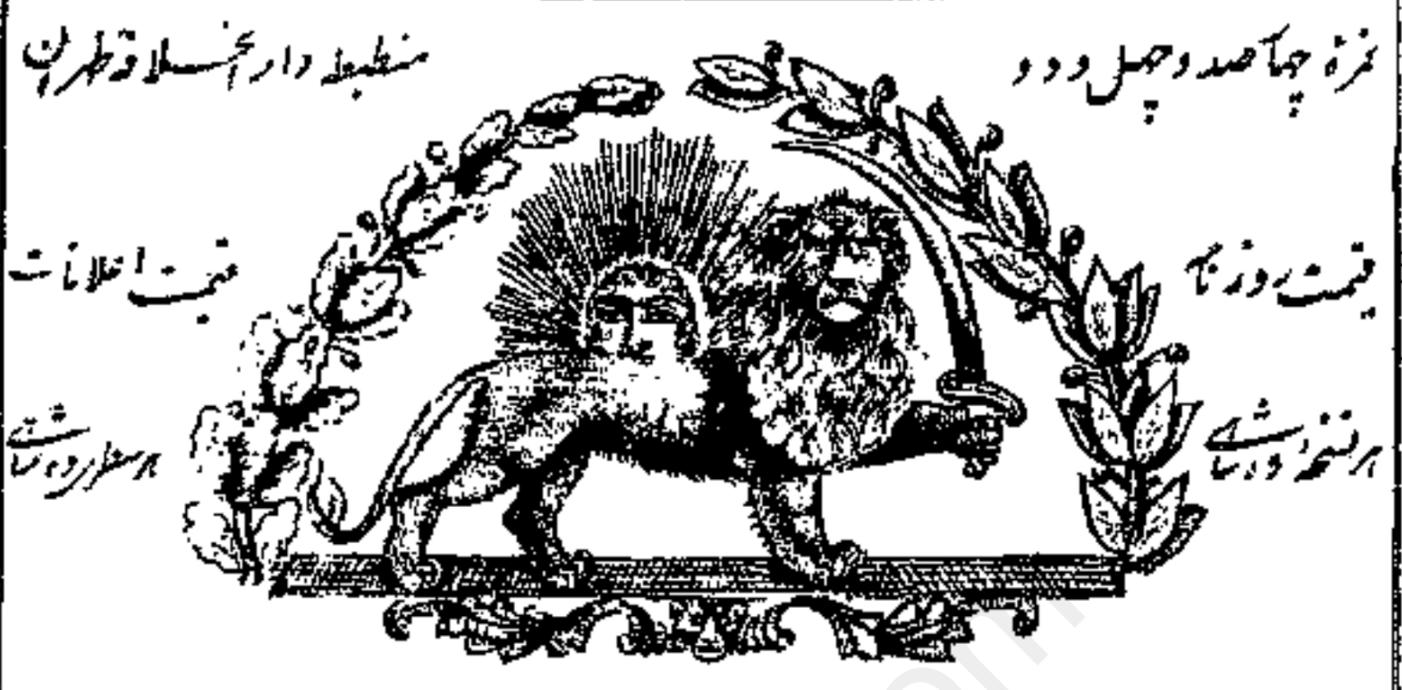
۲۹۲۸

سابقاً خدایتکه در عمل تعراف غیره از شاه هزاره اعتضاد السلطنه بمحض ظهور رسید مفضلاً در روزنامه  
مرقوم شد نگارش یافت که از جانب سنی ابجانب همایون کفایت نشان تمثال مبارک مکل بالباس  
در حق معزی الیه مرحمت گشته بمصوب وزارت علوم نیز سرافرا شد چون شمول آن مرحمت در حضور مبارک  
بطور رسید بود و هنوز فرمان جهانمطاع همایون که در این باب شرف صدور ریافته بمر اثر مزین  
بود و شاهزاده معزی الیه ای جشن انگونه عنایت طو کانه مجلسی ترتیب داده بودند لندارای همایون ظهور  
و بروز مراسم مکنونه کیشوب جنبه تزه کشمیری از طبعومات خاصه مبارک که نیز در رسم معزی الیه  
مرحمت شد و ایشان مجلس بسیار خوبی آراست جمع شاهزادگان و امرا و اعیان دولت بمبارک  
رفت تمثال مبارک و خلعت همایون از یب بیکر و زینت آغوش مفاخرت ساختند و زیارت  
فرمان هر لمعان همایون مبات نمودند و شمس الشعیده در مدیاح بی پایان خستوی انشا نموده در  
آن مجلس دانمود و بیتمین نام نامی مبارک در روزنامه مرقوم میشود





روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم ششم شمس ۱۲۷۰



## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی اردو و میان یون

چون رفاه حال رعایا زیاده از حد منظور نظر انور همایون است لهذا حکم محکم بمایون شرف اصداف یافت که حکام ولایات پیشگی که بنجاکا میبارک میدهند دیناری را از ابولایت و رعیت تحویل کنند و باسم پیشگی خبری ابولایت صادر و در دنیا بدو مجمع ممالک محروسه خرابین مطاع عشره فاصدا ریافت که هیچیک از حکام از قبول حکم محکم بمایون تخلف ننمایند و بعموم ابالی در رعایای لایات نیز ابلاغ شد که اگر حکام خواسته باشند دیناری باسم پیشگی ابولایت حواله نمایند رعایا ما اذن دارند که بداد خواهی بربارها بون نمایند و اگر آمدن بدربار بستنی مدار برای آنها ممکن نشود مراتب را در ضمن عرض بنجاکا میبارک مروض دارند تا در پیش حاکم مواخذه و تشدید بعمل آید و اگر حکام باسم پیشگی خبری از ولایت دریافت نمایند در رعایا و عرض آن اجمال کنند بعد از آنکه مراتب معلوم راسی جان آرا شود هم از حاکم مواخذه خواهد شد و هم رعایا از بابت اجمال در عرض مامورد مواخذه خواهند بود چرا که حکام پیشگی که میدهند چیزی از آنخصا مطالبه نمی شود و بر عفت تمام از مال خود پیشگی بخت میبارک میکند رانند در این صورت مطالبه از ولایت بیس معنی ندارد و رعایا باید حکما از بابت پیشگی خبری ندهند

۲۹۳۱

اگر چه از وقتی که مراتب انور عساکر منصوره نظام و غیر نظام بعد از مهتاج سپهسالار منصوره  
 شیکانی مبارک که بجهت عهدی خان سپهسزئی الیه سپرده و او اگر بود لیکن هنوز خلعت و منصب  
 تشکیلی باشی گری بشار الیه مرحمت نشده بود نظر بانکه مشار الیه در این سنه مهنت اثر  
 که طریم رکاب نصرت اشاب بود مراتب لیاقت و شایستگی خود را در خاکهای  
 مبارک ظاهر ساخته در لوازم خدمتگذاری بسبب وجه ثغافل نمود و لهذا در ضمن سلطانی  
 بموجب فرمان مهران مبارک منصب تشکیلی باشی گری بشار الیه مرحمت گردید  
 و خلعت منصب مزبور عزا عطا یافت و در جاد و تشکیلی نه اعیان و خوانین غلام  
 پیشخدمت و غیره مبارکباد و تهنیت آید تشکیلی باشی خلعت مبارک از سبب آن خوش شفاخت  
 ساخته و بلوازم سکرگذاری لطاف و عیضرت اقدس شهبازی برداشند

روز شنبه بیستم شهر ذی الحجه احرام سرکار علیحضرت اقدس همانون شاهنشاهی اردوی  
 نظامی تشریف فرما شدند جمیع اهل نظام و عساکر نصرت فرجام صفوف استقبال  
 آراسته شرفیاب خاکهای مبارک آمدند و تا آنروز قوتی بدان آراستگی نظام سلطانی  
 مشاهده نشده بود خدمات سپهسالار در نظر انور ظهور تمام یافت و مراحم طوکانه در باره  
 معززی الیه بدرجه کمال رسید و از راه نهایت عنایت بکار سپهسالار تشریف فرما شده عصر  
 در آنجا شاول فرمودند سپهسالار در اظهار سکرگذاری و گذرانیدن شیکش بلبرومات پدید  
 و چاکری رفتار نمودند و عموم صائبان و سران سپاه منصوره نیز بهنگام عبور سرکار  
 اقدس همایون از قربانی و غیره اظهار کمال سکرگذاری کردند و از جانب سستی ایوان همایون  
 نسبت سپهسالار و عموم رؤسا و سپاه نصرت همراه اظهار عنایت بی نهایت گردید و اتحاد  
 و افراد عساکر منصوره را با نعام شاهانه بهره در ساخته بهنگام مغرب بهار است  
 سلطانی مرحمت فرمودند

۲۹۳۲

روز بیست و هشتم شهر ذی الحجه افواج قاهره و توپخانه مبارک متوجه سلطانیه در نزدیکی اردوی همایون  
 برای شوق تلبیک مجمع گشته صفوف نظامی آراستند و سرکار علیحضرت اقدس همایون بملاحظه آن  
 شریف برده نظر تفریق و ترفیق و آراستگی نظام در نظر انور مراد استخوان یافت  
 نظر بانکه فریب سه ماه بود که اردوی نظامی در سلطانیه مشغول مشق بودند و با سوار آنها بطوریکه  
 باید رسیدگی شده بود حسب الامر قدر قدر همایون جمع افواج مگر چند فوجی که مخصوص قراولی

وجود بها و ک است مخصی حاصل فوده تدریج از سلطانیه روانه شدند و بموجب صاحبان  
 و سران سپاه از جانب سنی احوال همایون خلعت مرحمت شده بانهایت احترام  
 و شکر گذاری از رکاب مبارک مخص شدند

عید الملک حاکم کبلان بعد از شرفیابی بر کاب نصرت انشاب همایون در خاک می مبارک ظاهر  
 و معلوم ساخت که در انثال او امر قدر مثال سر پرستی رعیت و انجام خدماتش بوان قدرت  
 دقیقه از دقایق را مهمل و متروک نیکد ارد و در نظم ولایت لازمه اهتمام را دارد بحد شمول  
 عوطف بی پایان شاهانه کشته بقلب بلند مجد الدوله سزاوارند و روزیست دهم و پنجم  
 سرکار اقدس همایون بقریه عبد آباد علی مغزی ایله که نزدیکی سلطانیه است شرف بردند و در  
 در لوازم هماننداری طربین رکاب همایون اقدام نموده مراسم شکر گذاری را بعمل آوردند  
 چون عین الملک در این سفر مینت اورد در مرتبت خدمات محوله لازمه اهتمام و کفایت را ظاهر  
 اند از جانب سنی احوال همایون بکثوب کچیه زریه از بلوسات خاصه مبارکه در حق ایشان  
 و همچنین معبر الملک نیز نظر بظهور مراسم خدمتگذاری انجام مروجات علیه کثوب کچیه رسم  
 خلعت عنایت کردید و نظر بر اسم کفایت و کاروانی حسن مراقبت پاشا خان امین صره  
 در خدمات محوله بکثوب کچیه زریه مبارکه خلعت عنایت شد

چون پاشا خان سرب اول مراسم خدمتگذاری فدوت مراتب جلالت و کفایت خود را  
 در پیشگاه حضور همایون ظاهر ساخته است و در المصباح الملک فرموده بر پایه قیاسش افزود  
 نظر بظهور صداقت و ارادت عبدالعلی خان در پیشگاه حضور مظهر او را در سلک شایسته  
 خاصه حضور مبارک منسلک ساخته مورد اشفاق طوکانه فرمودند و بر پایه اعتبار او  
 سایر افزودند و بکثوب قیامی زریه از بلوسات خاصه مبارکه در حق خلعت عنایت و لایق  
**فارس** از قراریکه نوشته اند شاهزاده حاتم سلطنت حکم ان مملکت فارس بعد از  
 مکنن در سفر حکمرانی در نظم مملکت و رفع هرگونه غشاش و اضطراب معام بوان اعلی قوا حدت و قوت  
 سخن گذارده از اول صبح تا چهار پنج ساعت از شب گذشته اوقات خود را مصروف  
 رسیدگی امور مینماید و قاپوچی و دربار از ابجلی موقوف نموده اند که هر کس مطلبی داشته باشد  
 رفته عرض نماید و از تفضلات الهی و اقبال مضمون از زوال سرکار اقدس شاهنشاهی  
 در پاره استند بارانهای بموقع آمده غله و محصول فارس نهایت فور و ارزانی را دارد

۲۹۳۳

و قاطب خلیفین آسوده خاطر مشغول دعا گونی و دوام بقای خانات پهل پهل یون میباشند  
 و در قمر خان قدیمی شیراز که خراب شده بود تعمیر نموده دیوانخانه عدالت دولتی قرار  
 داده اند و میرزا محمد تقی دیوان یکی همه روزه در آنجا نشسته بحقیقت مطالب عارضین  
 غوررسی نمایند و باستحضار شاهزاده معزی الیه حقایق حقوق نموده بروش شرح  
 انور امور متعلقه بدیوانخانه عدالت را انجام میدهند رعایای گازران از تعدی میرزا محمود  
 ضابط آنجا بشاهزاده عارض شده بودند رسیدگی عمل ساز الیه را بدیوانخانه عدالت  
 رجوع داشته اند بعد از تحقیق و غوررسی معلوم شده بود که ششصد تومان برعاً اچان  
 کرده است مبلغ بزبور را از شار الیه استرداد نموده عاید رعایا ساختند و او را مغزول  
 نموده ضابط دیگر برای گازران معین نمودند

**خراسان** چون بر ادویای دولت علیه معلوم و شهوشد که آبادی سرخس و بضابط  
 زرعیت آنجا برای آبادی خراسان و رفع ناخست و تاز ترا که بسیار لازم است و از آبادی آنجا  
 قطعاً اعدا ثبات خراسان مرشح خواهد شد لهذا سرکار عالی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی  
 چندی قبل شاهزاده حشمه الدوله والی مملکت خراسان را مأمور فرمودند که با ده هزار قشون و چهار  
 درت سرخس و در آنجا بنای آبادی ساختن قلعه و نشان دادن عیلت بگذارند و معزی الیه  
 بر حسب امر قدر قدر روانه سرخس شدند این اوقات از قراریکه از خراسان نوشته اند شاهزاده  
 حشمه الدوله در نزدیکی قلعه کهنه سرخس حسب الامر همایون بقاعده هندسی بنای قلعه بزرگ بسیار  
 مضبوطی گذارده نزدیک با تمام رسانده اند و هندسین مأموره سرخس تعمیر قلعه کهنه را مناسب  
 ندیده لازم ندانند و قلعه مبارکه جدید را بنام نامی همایون بقلعه ناصری موسوم ساخته اند  
 و بقدر چهار هزار خانوار از ایلات داخل خراسان برای سکنی آن قلعه معین نموده اند  
 و پشاه آند عشق در آنجا سکنی خواهند داد و حسب الامر همایون بعد از اتمام قلعه  
 و ساکن شدن خانوار در آنجا همیشه ساخلو و توب دولتی در آنجا مقیم خواهد بود  
 که اگر فرصتاً از ترا که آنحد و د با زبنای ناخست و تاز بصفت خراسان بگذارند  
 مانع شده و کوشمال مضبوط بدهند و البته بدین واسطه کمال امنیت در آن سرحدات  
 حاصل خواهد بود و برای دولت منافع کثیره خواهد داشت

۲۹۳۲

روزانه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه بیستم شهر محرم الحرام مطابق سال قومی ۱۳۱۸

مطبوعه دارالمخلافه طهران

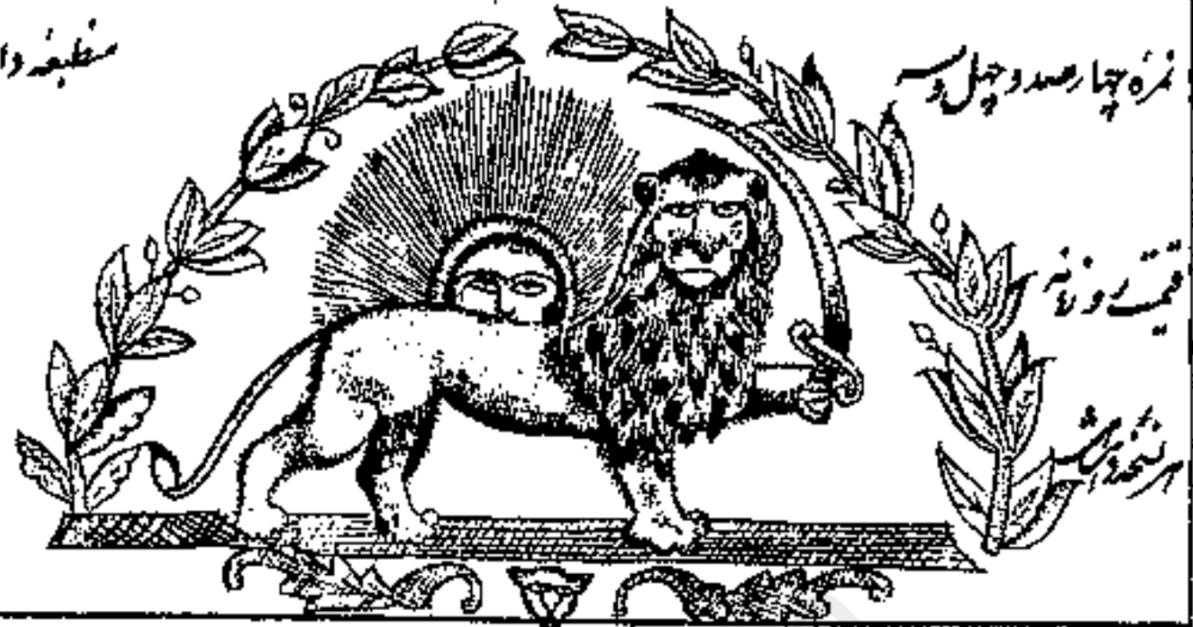
نمره چهارصد و چهل و سه

قیمت اعلامات

قیمت روزانه

بهره هر شماره

بهره هر شماره



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردو سیایون

از عترة شهر محرم الحرام تا روز عاشورا حسب الامر مقرر در کابینه چادری بزرگ برای تعزیه در  
 جناب خاص آل عباس علیه تسلیه و التماس برپا نموده بودند و بتاتون سنوات سابق در چادر مزبور که فی الواقع تکلیف  
 دولتی بود لازمه تعزیه داری بعمل آمد و اولیا و همنامی دولت که عظم رکاب نصرت اقتساب بودند و سایر اعیان  
 در بستانه هر یک علی قدر مرتبیم براسم تعزیه داری شغال داشتند و بواسطه دعا کونجی و ام بجای ذات پهل پرده بستند  
 و در نتیجه اسباب لازمه تعزیه داری و نظم تکلیف عین الملک نظر کمال سعی را کرده و در سلطنتیه مشکل بود که این نوع اسباب  
 تعزیه داری این خوبی و زودی عمل آید عین الملک کمال خدمت کرده و مورد الثقات طو کانه شد (روز  
 چهاردهم شهر مزبور موکب فیروزی کوکب هایون بعننم تشریف فرانی آذربایجان حرکت فرمود و در هیچیک  
 از مناسزل عرض راه طسراق نغموده در خنجره پست و چم و اردچمن اوجان شدند و نظن پارسیکه چرا غلغلیان  
 حاکم خمس در هر خدمتی که از بدایت این دولت بدایت با و مرجوع شده است لازمه صدقت و ارادت اظهار  
 ساخته بمقتضای کفایت و کار دانی خدمت خود را با انجام رسانده است و در این سفر سمینت اثر نیز از بهتدای  
 در و دار دومی نظام سلطنتیه تا روز حرکت موکب مسعود هایون که متجاوز از نرسه بود در انجام خدمات عظیمین  
 رکاب هایون و رساندن سیورسات اردوی نظامی و غیره و تأمین اطراف اردوی کیوان شکوه لازمه کفایت  
 و اهتمام را طاهر ساخت لندامورد مزید شفاق خاطر عد اشراق شده و در طبق سراج الملکی سپه افراز  
 فرمودند و یکوب جبهه تریه برسم خلعت در حق او مرحمت شده از منزل آق کنت داذن برخص حاصل نموده

۲۹۳۵

حکومت خود معاودت نمود و میرزا ولینان سپهرش که او نیز در لوازم خدمات مطهرین کاب مبارک  
 سعی کرده بود با عطای خلعت شاهانه سرافراز گردید (میرزا ابراهیم خان سرتیپ اول در منزل سهرین که  
 متعلق به دست لازمه خدمتگذاری محمل آورده سیوسات مطهرین کاب مبارک را از خود پیشکش نمود  
 در منزل آق کسند که خاک خلخال است امیرزاده رضاعتی میرزا حاکم خلخال در انجام خدمات اهتمام  
 تمام نموده مورد مرحمت بی پایان کشید و از جانب تنی الجوانب هاپون خلعت مبارک در حق او مرحمت شد  
 و میرزا ششم خان کرم سراب و کرم و دیندر منازل متعلقه با و لازمه خدمتگذاری نموده با عطای خلعت  
 لوکانه پیشکش گردید) (آقا میرزا ششم که از سلطانیه مرخص شد به تبریز رفته بود و با اتفاق پاشا خان  
 شجاع الملک در میان منزل آق کسند و اماان شرفیاب کاب ظرافتساب شدند و با لطف خسروی  
 سرافرازی حاصل نمودند و شجاع الملک در جمع منازل متعلقه آذربایجان از جانب عزیز خان سردار  
 کل پیشکش و پانزده حضور مبارک میگرداند) (سردار کل و اسکندر خان سردار در میان منزل  
 ترکمان و قراچمن استقبال موکب هاپون آذربایض شرفیابی حضور مبارک و شمول مرحوم خاطر مرحمت  
 نمون بهره یاب شدند و سردار کل بعد از درک شرفیابی خاکپسای مبارک بر روی او جان مرحمت  
 نمودند) (مستوفیان و شکرگینان و بعضی اعیان آذربایجان در میان منزل و قراچمن و او جان بجاکلیا  
 مبارک شرف شدند) (روز و روز و با او جان دوازده فوج از افواج و تاسه هزار سوار و ده عر  
 توب که در اردوی او جان حاضر شد بود در یکطرف بطور تشبان صف بسته ایستاده بودند و سردار  
 کل برای جمیع افواج متوقفه او جان حسب الامر قدر قدر اعلی از کلیچه و شلواری لباس سفید بسیار خوب  
 ترتیب داده و تنس لباس مزبور بودند و چون از وقت صدور محکم هاپون تا ورود موکب مسعود با و جان  
 چندان طولی نداشت خدمت سردار کل مقبول خاطر مبارک افتاد اول سواره که حاضر بودند از  
 قبیل چار و دلی و کرمانی و کرمی و افشار و غیره دو سه هزار نفر بودند آنها را بدقت ملاحظه کرده بعد  
 بتوبخانه رسید و توبخانه آذربایجان در کمال استیازه خوبی از سان گذشته و توبخانه رکاب هم در  
 آنجا حاضر بودند سرتیپ توبخانه آذربایجان که میرزا احمد خان است کمال الثقات فرمودند  
 بعد از آن افواج مسوره را که دوازده فوج بودند ملاحظه فرموده در لباس و اسلحه و نظم کمال خویرا  
 داشته و سیر کردگان آنها یکان یکان الثقات فرمودند و در عمارت او جان که تازه تعمیر شده است  
 نزول اجلال گردید و پنج روز در چمن او جان توقف فرموده بمس ظم اردوی متعلقه در آنجا رسیدگی

۲۹۳۶

نمودند در شب اول و دوم سردار کل در اردوی نظامی چراغان بسیار خوبی نموده جسیع اهل اردو را به هیبت  
 قدم میت لزوم همایون شاد کام بودند در شب دوم درود در جلوه عمارت استبازی بسیار خوب بر  
 داده بودند و زیاده از حد اختیار داشت و به روز قشون طغرل نمون منصور در نزدیکی اردو صفوف نظامی آرا  
 شش شلیک مینمودند و در ششم رود سرکار اقدس همایون بملاحظه مشق قشون نصرت نمون تشریف بردند و  
 جمیع افراج و توپخانه و سوار در میدان مشق حاضر آمده با تعلیم و آراستگی تمام مشق شلیک کردند و در نظر  
 انور بسیار محسن افتاد و روز دوشنبه پیت و نهم ماه که پنجم رود با وجان بود سرکار حضرت اقدس همایون  
 با اردوی نظامی تشریف فرما شده بچادر سردار کل تشریف همایون ارزانی داشتند و در عرض راه از ابتدا  
 اردوی نظامی تمام توپخانه مبارکه و صفوف افراج از دو طرف با کمال نظام ایستاده شلیک توپ بشادمانه  
 مقدم همایون کردند و جمیع صاحب منصبان افراج بر سر هم شکر گذاری اقدام نموده شرفیاب خاکپای مبارک  
 شدند و نظر باینکه سردار کل در افتاد اردوی او جان و نظم اهل نظام آمدن با چکان منتهای کفایت ظاهر  
 ساخته خدمات مغزی الیه در خاکپای همایون موقع قبول یافتند نسبت بایشان اظهار کمال مرحمت و  
 عنایت فرمودند و در باب نظم دسته بندی جید افراج و سان قشون انتظام آنها سفارشات تاکید  
 زیاد بامیرزا محمد خان سپهسالار و سردار کل فرمودند

۲۹۳۷

چون حسنعلیخان شامسون که برای رفع احتمالات حاصله سیستان حسب الامر الاقدس بمور با کتفحات شد در تاجین  
 آنولایت و قرار خدمتگذاری امالی آنان لازمه کاردانی را بطور رسانید و خدمت محوله بخود را بر حسب  
 دستور لعل اولیای دولت علیه فیصل داده بر کاب ظفر اشباب مرجعت نمود لکن اینک قطع نشان از مرتبه  
 دوم سرتپی بگریخته حاصل سرخ و یکقبضه شمشیر ابراق طلا بشمار لیس مرحمت کردید و محمد صالح خان کرد بچه  
 هم که با نفاق سردار علیخان سیستان رفته بود چون در شورش عوام سیستان و قتل سردار علیخان در اظطعا  
 فتنه و آرام نمودن مردم و کهداری بمورین دولت علیه خوب حرکت نموده بود بعد از مرجعت از سیستان  
 بمنصب سرتپی سرفراز گشته با عطای خلعت همایون مفتخر گردید (برادر سردار تاج محمد خان و پسر سردار  
 کمال خان و برادر محمد شریف خان و پسر سردار ابراهیم خان و همیشه زاده محمد علیخان شکرکی که با جسیع از کدخدایان  
 و ریش سفیدان سیستان بجاکپای مبارک آمده بودند در سلطانیته شرفیاب آسان همایون اعلی شد با لطف و مروت  
 سرفراز گشته و بهنگام حرکت از سلطانیته در حق هر یک خضاع هر شعاع همایون مرحمت گشته مرقص و روانه  
 دار الحلاقه بسا هر ه شدند که در طهران توقف نمایند



روزنامه وقایع اتفاقیه بیارخ یوم پنجشنبه بیستم شهریور منظر مطابقت الیومیه



### اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

#### اردوی بیابان

یک جلد پاضد عاجله مبارک جناب ولایت آبا امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه و علی آباءه و اولاده الایامه و ایشامین قدرت العالمین زین کبیر کتبخانه مبارکه اعلی است سرکاره سرتاسر ایون شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه در سفر و حضر پاض مبارک را از بابت تمین و تبرک غالب ایام زیارت و ملاحظه میفرمایند این اوقات برای آنکه پاض مبارک را بطا هر نیز از سایر کتب و صحایف کتبخانه مبارکه استیاز و اختصاص باشد نگهید و حفظ آنرا بجهت حفظ قرآن شلوت که بفرید تقوی و تقدس از امثال و اقران استیاز دارد مفوض فرموده در این موبیت سرفراز باشند

نظر باینکه مستوفی الممالک در تنظیم مهام دفترخانه مبارکه و غوررسی در محاسبات ممالک و ولایات محروسه و تسجیس و توفیر مالیات و وجوات دیوانی و تسبیل در احکام دقیری صرفه دولت و صلاح رعیت ابوجه اعمل ملاحظه نموده و شیعه از وقایع صداقت کیثی و کاردانی را مصل و متروک نداشتند و حسن خدمات ایشان حسن جز و در نظر هر اثرهای یون جسلوه که آمده اند از جانب سنی الجوانب بقطعه نشان مثال مبارک نقل نمایند در حق ایشان مرحمت شد

#### دار الخلافه طهران

امور این ولایت از فرط کفایت و مراقبت شاهزاده نصره الدوله در نهایت تنظیم و انضباط است و کمال عالی در کمال آسایش و عافی دام دولت بیروال اشتغال دارد و ابواب بی نظمی از هر جهت مسدود و اسباب آرایش عباد از هر بابت موجود است [ در این دو ماه محرم و صفر که برپیل سنوات تا عنید در جمع مبارک ]

۲۹۳۹

و تکایا اساس و فیه خوانی و تعزیه داری جناب خامس آل عباس علیہ آلاف التحية و الثناء فراموش کرده است  
 قاطبه خلایق از اعالی ادا دانی بوزنم تعزیه داری اشتغال نموده در هر یک از ایام و لیالی مجالس متعده برپا نموده  
 و ختم مجالس بجای دوام عمود دولت سرکار حضرت اقدس ساجدین شاهنشاه دین پناهندگان و سلطان  
 نموده میباید شاهزاده نصره الدوله تیز رو و اول محرم در عمارت تباع جنب دیوانخانه بزرگ که منزل ایشان است  
 اساس و فیه خوانی برپا داشته هر روز جمعی کثیر از علمای اعلام و سادات ذوالاحترام و شاهزادگان عظام  
 و چاکران دیوان قصان نظام متوقفین در الحنفیة طران و سایر اعیان و اشراف و اکابر ولایت مجتمع گشته چند نفر  
 از معارف اگرین کرام بزرگ مصایب انما علیهم الصلوة و السلام قیام و قیام می نمودند و بدعی دایم  
 بقای ذات علی صفات اقدس ساجدین شاهنشاهی سمت ختم می یافت بعد از صرف قهوه و شربت و بنهار  
 متفرق میشدند (چنانچه در سالهای قبل متداول بود که در میدان توپخانه مبارکه کتیبه دیوانی برپا میشد ایام  
 بطریق شنوات قضیه چادری بزرگ برپا نمودند و لوازم تعزیه داری معمول داشته در هر شب در روز علاوه بر قهوه و سایر  
 مزومات کتبه فقره و ضعیف ولایت اشام و بنار میدادند و بدعی دایم دولت قاهره ختم می نمودند و چون سرکار  
 اعلی حضرت اقدس ساجدین شاهنشاهی بقاعده مستمره در دروغیستم عاشورا بجهت تمین بکتبه مزبوره تشریف فرما میشدند شاهزاده  
 نصره الدوله سرکار شاهزاده فخر و الا تبارنا پست لطفه اعلیه را نیز اقتدار در روز مزبوره بکتبه مزبوره آورده بطریق  
 معمول دستجات ارتسایر تکایای دورتر دیک آمده کتل و اوضاع تعزیه داری آوردند و بعد از طریقی معانات مصیبت و  
 و صرف قهوه و شربت شاهزاده نصره الدوله از جانب سرکار شاهزاده اگریم نایب السلطنه نسبت برین سفیدان  
 دروسای دستجات مزبوره اظهار القات نمودند و چون میراثقی نایب و مباشر نظر تخانه مبارکه در این ایام  
 لازمه خدمتگذاری و کاروانی را بعمل آورده بود از جانب سرکار شاهزاده نایب السلطنه مورد نوازش گردیده  
 بالغات خدمت سمیت همیار حاصل نمود) (و در این ایام و لیالی عاشورا کلا نترد که خدایان ولایت در مراسم  
 تعزیه داری و مراتب نظم و نسق تکایا نهایت خدمتگزار می و استقامت را بعمل آوردند علی الخصوص در شب و روز  
 عاشورا که با وجود آنکه دستجات از اطراف بکنید دیوانی می آمدند و در روز عاشورا در کتبه چاله حصار اساس تعزیه  
 بهشت و در تن برپا گشته از دحام و جمعیت زیاد زحمت شده بود بخلاف قواعد تعزیه داری صدای بلند گشته  
 و جدالی ما بین دستجات حاصل گردید و با رومی خوبی تمام ایام تعزیه داری بر گذار گردیده موجب از یاد سکر لاری  
 مردم و دعا کونی دوام دولت قاهره شد) (افواج منصوره که از چمن سلطانیه رخصت انصراف  
 بر الحنفیة حاصل نموده بودند و در روز و در آنها افواج متوقفه در الحنفیة آنها استقبال نموده

۲۹۴۰



شاهزادگان و اکابر و اعیان که خنبار نموده بودند با سایر چاکران دیوانی و غیره تهنیت و مبارکباد  
خلعت خضر دانی بیباغ مزبوره حاضر گشتند و شاهزاده مغزی الیه خلعت مرآتیه بپوشیدند و اطراف قامت اشعار  
و زینت پیکر اعتبار خود ساخته مضمون مرحمت مشحون فرمان مجسمه لعلان بپوشیدند و کوشش و حصار نموده جوید  
مزید رسیداری بکلی بعنایات و الطاف علیحضرت بپوشیدند شاهنشاهی خلدانه ملکه و سلطان کردید و بعد از  
صرف شربت و شیرینی بشهر مراجعت نموده خدمت سرکار شاهزاده فخر نایب السلطنه اعلیه رسیدند و  
آنجا بجمارت بیباغ معاودت کرده با حصار صرف نهار نموده هر یک از بزرگان و اعیان منازل خود بازگشتند

### سایر ولایات

مازندران از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بود در امور ات و لایته طبرستان نظمی کامل حاصل است  
و امالی ولایت در نهایت اطمینان و فراغت دعا کونی دوام دولت ابدایت اشغال دارند (شاهزاده  
ملک آراکه مامور حکومت و سرپرستی امالی نصحیات بودند و او کرده عیان و امالی ولایت لوازم تهنیت  
و استقبال بعمل آورده روز چهارشنبه بیست و چهارم شهر محرم الحرام وارد محل ایالت گردیدند و در  
ساری که مقر حکومت آنسان است نزول نموده عمال و مباحثین دیوانی و ولایتی هر یک اعلی قدر مرا تهنیم لازم  
نوازش و قربانی مبذول داشته بمرحوم و توجه کامله علیحضرت اقدس بپوشیدند شاهنشاهی خلدانه ملکه و سلطان  
مشغور امیدوار نموده عسوم مردم را کمال شکرگزاری حاصل آید از حکومت ایشان نهایت مسرور گردیده مشغول  
خدمتگذاری دعا کونی گردیدند و بعد از ورود شاهزاده مغزی الیه منزل کلی در نرخ اجناس هر سید و تجار  
شدت و کراکه سابقاً بیاباده هزار دینار میفرود گشتند در این اوقات بیش از دینار بفرودش رسیده است  
و در خصوص وظیفه و مستمری ارباب استحقاق پیرا عیسی باشه موقوفات و طایف قدغن نموده ارباب  
و طایف را احضار و بحضور ملک آرا حاضر ساخته قرار میضبوط در رسیدن خواه آنها دادند و میزبان  
پشکار قدغن کسید نمودند که بزودی وجه وظیفه آنها را برساند که بانهایت آسایش مشغول دعا کونی دوام  
بقای دولت قاهره بوده باشند) (نصرت آقایی قاجار را با سی سوار تعین نموده اند و از کلبه  
تا بندر مشد سرسپت سکر شخص نموده نوکر پادشاه اشرف توابعی را مامور حفظ سکرگاهها نمودند و از جهت  
سکر و دکان بستن ام گرفتند که شب و روز تمام متوقف سکرگاه و مشغول تحفظی باشند هرگاه وقتی نصرت  
آقایی سردار سکرگاه احدی از آنها عبور کند نوکر مستعد آماده و حاضر خدمت نباشند آن صاحب منصب  
حبس نموده مراتب ابرض ملک آرا برساند

از اعیان

روزنامه و قیام اتفاقیه بیخ یوم پنجم بیست و چهارم شهر صفر مظفر مطابوق ساقی کلب

نمره چهارصد و چهل و پنج

منطبه در کهنه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلامات

هر نسخه پنجاه

هر سطر چهار



### اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

#### اردوی سیاه

در غرض شرف مظفر نوکب حضرت توپان انور من حرکت فرموده در روز سده آباد با هیچ منزل بود و در ششم ماه از فیض قدم میمنت از دم بهایون شهر تبریز به بط انواع فیوضات گردید شش هزاره معزالدوله و معین الملک و میرزا حاجان معاون وزارت ممام خارجیه نزدیک با هیچ از شرف اندوزی خاکپای هر صتیامی بهایون ستغیض کتب بقفقات طوکانه سرفراز شد علماء و فضلا و عیان و اشرف نیز متعاقبا شرفیاب رکاب ظفر اشابه به اظاف خسروی منقش شد از نزدیک خلعت پوشان تا در دره شهر که قریب به فرسخ می شود ماسان سیرا پیکر یکی و که خدایان و هیچ اصل تبریز در دو طرف ایستاد از شرف پای خاکپای مبارک بهره رشتند اصناف کسبه بجهت آنکه از یکدیگر استیاز داشتند و اهل هر محله برای رفع اشتباه و التباس عین یک لباس بودند و جمعیت با شک و ابراق فدوی ارجحنا کپای کیمیا آسای تاپون شرف شدند و از آنجا که عموم از بایجان باین دولت و دیدن کینوع حالت عشق و میل مغرطی در بسندگی نوکری و صیتی دارند و سالها بود که کمال میل بزیارت جمال فرخنده فال بهایون داشتند حال که این نعمت عظمی بهولت فیر کردید نهایت انبساط خاطر از وجات احوال جمع آنها ظاهر بود و بجای انما ذکر جمعیت از دحام شده بود که تخمینا ششاد هسار نفر مرون آمده بودند و در هر جا قربانیها کشند و جان فشانیها نمودند سرکار علیحضرت اقدس بهایون شایسته خلد الله علیه و سلطانه در باره عموم مستقبلین از عیان و اشرف و تجار و غیره علی قدر مراتبیم اظهار مرحمت فرموده جمیعاً زبان بجای و ام بستی ذات پمال کشوده از شرف پای خاکپای بهایون شکر گذاری نهایت شد

۲۹۴۳



ارزین کین توستو بدین روز کرامت تو  
 بجز جبرود کردی و شکر تو  
 بیخ کنی کامل و عدل تو  
 بر بادی لادت از تو  
 امروز چون کین تک باشد  
 بر آرزوی کس از جانی  
 کردون بیخ و کین و کین  
 بر آرزوی کس از جانی  
 روزی که از خواست  
 بر آرزوی کس از جانی  
 امروز چون کین تک باشد  
 بر آرزوی کس از جانی  
 کردون بیخ و کین و کین  
 بر آرزوی کس از جانی  
 روزی که از خواست  
 بر آرزوی کس از جانی  
 امروز چون کین تک باشد  
 بر آرزوی کس از جانی  
 کردون بیخ و کین و کین  
 بر آرزوی کس از جانی  
 روزی که از خواست  
 بر آرزوی کس از جانی

۲۹۴۵

و چونکه هوای شهر نیز با فضای فصل تدری کرم بود سرکار حضرت قدریون شاهنشاهی باغ شمال را که نهایت  
 وسعت و صفار دارد و از حیثیت هوای نیز ممتاز است در محلات پیرون شهر واقع است محل توقف مقرر شده بود  
 روز دهم باغ مزبور تشریف فرما شدند  
 دارا نخله طهران  
 هوای دارا نخله تا بعد از شو خوب بود مردم آسوده خاطر تبریز داری اشغال مینو ندانند بعد از شو  
 تا چند روز باول میسران نازده قدری در کرامتت بهر سبب و بادای کرم در شب روز میوزید و بعضی وقت

بود نهایت حسن و گرفت نشید بجدی که میگفتند در این سنوالت باین جهاس سوا محسوس نگشته است ولی در این چند روز  
 هوای دار الخلافه در کمال اعتدال است ( چون قبل از عاشورا قرار گرفته و احوال و لایهت حسب المقرره  
 آن بود که شها بعد از ساعت چهار که نسیه که بی فانوس عبور می نمودند مانع گشته نگاه میداشتند در  
 ایام عاشورا بجهت تغزیه خوانی مثل یالی ماه مبارک رمضان این قدغن شکسته تغزیه داران از شام تا بام دست  
 دست با طرف آمدند می نمودند بعد از ایام عاشورا بعاقد سبقت قدغن در حفظ کوچپا و بازارا شده  
 بعد از ساعت چهار بی فانوس عبور و مرور نمی شود و از حدی خلاف قاعده و حساب کتی ظاهر میگردد و منفذ  
 و شارتی در هیچک از محلات بطور غیر سد و ابواب هرزگی و دزدی از هر بابست سد و دو موافق اسن  
 و امان از هر جهت منقود و جنس لایق با سایش تمام مشغول دعای دوام دولت جاوید فرجام میباشند  
 میرزا حسن الله باشی که از رکاب مستطاب جمایون مرخصی حاصل نموده بود با خادمان حرم جلالت و امر در خلاف  
 کردید چون احسن جنات و موطنت در امورات محوله بشمار لیسه تمامی همراش نهایت رضامندی ا  
 داشتند یعنی باعث رضامندی خاطر خطیر ملوکانه گشته با عطای یکتوب کلچنه تن پوشش مبارک او را  
 قرین معاشرت و بیانات فرمودند و مشارالیه در نهایت سکرگزاری و کمال امیدواری خلعت هر طلعت را  
 زین پیکر افشار خود ساخته بخدمت مرجوعه اشتغال دارد

۲۹۴۶

### سایر ولایات

اسپهبدان و بقراری که در روزنامه آنجا نوشته اند امر آن ولایت در نهایت انضباط است و امنیت  
 و ارزانی و فرادانی نعمت حاصل است ( میرزا محمد پیشکار قفقچیان کرد مکتب را خواسته ایمه موجب داد  
 سوارهای نصیر خان و صادق خان اینسرمی ساخته در آنک فرساده شب روز بر سر معابر مشغول خدمت  
 میباشند) ( و همچنین در نوده تسلی یوزباشی بسرا و ملک ابراهیم با سوره خود در سر راهها مستعد میباشند و  
 محافظت مترددین است تمام تمام دارند و ترکانان اقتدت بر عبور از آن مستانیت) ( و همچنین  
 عبدالصمد خان سحران کلانی نیز با آدھای خود در معابر مشغول موطنت و مراقبت میباشند و شب و روز  
 از خدمت غفلت ندارند) ( از ترکانان میوت در نزدیکی آنک کیترا اسیر کرده برده بودند و ما در  
 آن اسیر آورده نزد محمد علیخان پو کردی و پسر خود را از او خواسته بود مشارالیه در همان ساعت ملک  
 گشته و در میان میوت رفته کیترا از آنها گرفته در عوض آن اسیر آورده نگاه میدارد در روز دیگر  
 مسیح طایفه فر بوز آن اسیر آورده بسیر خودشان ابرده اند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ نهم خرداد ۱۳۲۷



### اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

#### اردوی سیایون

چون ضابطینان که حسب الامرهایون مراقب نظم مدرسه اردیفنون بود در انجام خدمت محوله منتهای کفایت و صداقت را ظاهر ساخت این اوقات هم در عمل تعراف لازم خدمتگذاران را نمود و مراسم کفایت و کاردانی او در پیشگاه حضور همایون زیاد از حد معلوم و مشهود گردید لهذا به نیابت وزارت علوم که بشاهزاده اعضضا تسلط مرحمت شده است سرفراز نموده رئیس مدرسه اردیفنون فرمودند و میگوید خسته گردانی اعلی بشار الیه خلعت مرحمت شد (و نظر بانکه اشخاص مفضل در مدرسه اردیفنون بطور استقام مشغول تحصیل علوم شده در کتب رسوم خدمتگذاری دستبازد فایق استرودک گذاشته اند و در عمل تعراف نیز مصلود خدماتی و در بنام مرقوم ذیل سرفراز شد و در الفاشا اندک خدمت تو مان بشاگردان توقفه دارالکتاب و ده بیت تومان با بنام در سفر مشغول خدمت تعراف همیشه انجام میباشند

۲۹۲۷

- |   |   |
|---|---|
| علی شلی خان پسر رضا شلیخان بمصب سربسلی      | جعفر شلیخان پسر سارلیه بمصب کتابداری مدرسه        |
| سرفراز و مبلغ مفتت تومان بر واجب سابق او    | دارالفنون سرفراز گردید                            |
| فقروا باشد                                  |   |
| شاکردان مفضل بمصب یادری تعراف سرفراز        | میرزا عبدالرحیم بمصب همذ سر تعراف سرفراز          |
| و مبلغ چهل تومان بر واجب سابق هر یک از آنها | گردید چهل تومان بر واجب سابق او افزوده شد         |
| باقر خان میرزا حسن                          | محمد مهدی میرزا                                   |
| محمد حسن خان میرزا احمد                     |   |
| اسماعیل میرزا بمصب کیل بشکر تعراف           | شاکردان که مفضل سلطان تعراف سرفراز گردید سرفرازان |
| سرفراز در سران بر واجب سابق او افزوده شد    | بر محمد حسن هر یک افزوده شد                       |
|   | ذوالفقار میرزا میرزا حسین                         |

سیم قزاق را با حسن اهتمام اقتصاد تسلطه و زیر علوم بزبان آوردند و از آنجا با کمال سهولت و خوبی  
 با دار الحکله کفکومینمایند و همچنین موجب تسهیل امر غلب مردم شده است و حکم هایون بشرف نفاذ نمودند  
 کردید که تا سه ماه دیگر است اتمه بتزیر برسانند و امید هست که بزودی برسد (چون دستعلی خان  
 معیر الممالک در انجام خدمات محوله بنجود و اشطام امور حسنه از راه امر و محاسن کفایت کار دانی خود را  
 ظاهر کرده بود در خاکپای مبارک درجه قبول استخوان یافته با عطای یک قطعه ثمن از مرتبه اول سرتی  
 و یک رشته حمایل سیخ و سفید که مخصوص آن درجه است سرافراز کردید

### سایر ولایات

خراسان از قراریکه نوشته اند امور دیوانی و ولایتی آن محکمت از حسن کفایت مراقبت شاهزاده  
 حشمه الدوله دالی محکمت خراسان و قوام الدوله وزیر در نهایت اشطام و انتساق است و جمع مردم  
 در کمال آسایش مشغول دعا کونی و شکر گذاری میباشند (و قوام الدوله در انجام وظایف و اوقات اردو  
 سرخس نهایت اهتمام را داشته و در از قراریکه نوشته اند امر سرخس از تمام شهبه بدین بنای ناصری  
 و نشاندن خانوار و گرفتن نسق زرعیت قریب با تمام است) (دلیل تیسوی که حسب التقریر باید در قطعه  
 مبارکه ناصری سگنا نمایند ریش سفیدان آنها بقوام الدوله اظنار نموده اند که چون تمام ایل کیده  
 مشکل است از جهت آذوقه و مال بکس کار بعسرت خواهد کشید اذن خواستند و مذک که هزار خانوار پیش بر  
 جایجا شوند و بعد از رسیدن هزار خانوار بقطعه مبارکه ناصری یکده سته دیگر از تعاقب و مذ چون خوف  
 آنها مقرون بحباب بوده است برای تسهیل کوچیدن ایل قوام الدوله و تشریح داده است که هزار خانوار آنها  
 معتاد روایت شوی باقی هم تا رفع محصول بروند و میر سیم خان برادر صادم الملک با عنوان خوانی با یقین هزار  
 خانوار روانه ناصری شدند و صادم الملک بجهت مراقبت امور بقیه ایل و بردن آنها خود بخرس فرست  
 بعد از آنکه بقیه ایل را همراه خود بخرس و میر سیم خان و عنوان خوانی مرجهت خواهر سیم نمود) (با آنکه ایل  
 هزاره ز عدم مراقبت خوانین در رؤسای آنها خیلی پریشان شده بود و قوام الدوله در ایستادگی  
 آنها طوری اهتمام نموده است که از کالت پریشانی بیرون آمده و بخت سوار زبده است بهنگام  
 بسیار خوب از آنها دست بندی شده برای هر یک صد نفر سر کرده تعیین نموده اند و تمام ایل مزبور را نوکر سوان  
 و غیره مشغول خدمتگذاری و دعا کونی میباشند) (ایل جمشیدی که در کنه کوشه کنی باشند چون محل  
 مزبور کفایت حال نوکر و ایل رعیت انداشت و از جهت ترغیب و مزروع بر همه آنها بیکدشت در

۲۹۴۸

سرحدات خوشان مرتع و مزرع و سعت اردقوام الدوله ایل مزبور را از که گوشه کوچنده با ابوالقاسم خان  
سرتیب و از خوشان داشتند که شجاع الدوله در سترات قوشان در جانی که محل زرع و مرتع خوب  
داشته باشد آنها را جابجا نماید و مراقب سرپرستی آنها باشد

از جانب سی ایچرانبه ایون و بی برای ساختن درب طلای پیش روی محرم محترم سکر فیض آمار  
حضرت رضوی علیه السلام پیش شده بود و عضد الملک متولی باشی حسب الامر الاعلی در بطلار در نهایت  
شیخ و خوبی تمام نموده نصب کرد و در آن هستان ملک پاسبان در آرزو شرافت اعیان و لایت شریف  
خطیب خطبه طبع بسو امتی و دوام بقای ذات پهل ایون پسان نموده حسیع حلاقی زبان جاگونی گوید  
کرمان از قرار که در زمانه آنجا مشهور بود و ولایت طرق و شوارع نهایت نظم را دارد و قوای  
و مترودین بسولت آسانی عبور مینمایند و رحمت خسارتی بحال مال احدی نمیرسد ( چون قبل از دست  
آمدن محصول از بابت لایات یوانی بر عایای آن ولایت چیزی حواله نگردیده است رعیت محصول خود را پیش  
فروش نموده در این اوقات که حاصل دست آمده بحال سایش و سرگردانی بجهت مالی ولایت و جوکات کرمان حالت  
در غرضه شهر محرم الحرام شتراده کیومرث میسران کرمان از زمان محمد اسمعیل خان وزیر از برد سیر بفرم تغیر  
داری جناب سید ایشد علیه الف آلف نحمیه و لثنا بشتراده اساس تغیر خوالی ابرپاداشته در شهر شب و روز  
لوازم صیافت و مهمانی از عالی ادا ایست معنی و منظور داشته اند و در هر مجلس جاگونی ذات پهل حضرت

۲۹۲۹

۱۰  
اقدس ایون شاهنشاهی ختم نموده اند  
پس از قرار که نوشته اند صاحب ایوان حاکم یزد در نظم ولایت رفع اغتشاش نهایت اهتمام را  
دارند ( سید علی نامی که از الواط مشهور یزد است چند روزی از آنجا ستواری و شناسی شده بود لیکن هر چند  
یک مرتبه در خفیه سیر آمده بعد از آن که در میسکرده است مال مسرور را بسایر ولایات برده و بصرف سیر  
این اوقات هم باز سیر آمده شبی عازم دزدی بود دستخطین محله خواستند از او بکیسه باریقی که داشته است  
ببستخطین محله در مقام محاربه بر می آید بلا حشر او را دستگیر و مجوسین نمایند صاحب ایوان مراتب را  
باولیسای دولت قاهره اظهار نموده حکم محکم ایون شرف اصدایافت که اگر چه مشار لیمه استحقاق هرگز نیست  
در دما چون سید است او را باریقیش و از دار بختلافه نماید که حبس نماید ( دو نفر از مالی شهر بابک  
پس شهر بابک و سیر ز فارس شخص درویشی گشته بودند و موسی خان آنها را گرفتند صاحب ایوان  
فرستاده بود و چندی در مجلس بودند و در یک مجلسی از معارف حضور صاحب ایوان حاضر بودند و نظر

مزبور را در مجلس احضار نموده از حقیقت اشعار نمودن یکی از آنها نقل در ویش قرار نموده و ثبوت شرعی پوست که در  
وقتی که رشتین شخص مقراری آب و آذوقه فرستاده همان کفایتها را بجهت پانزده شاهی چه حق الدلاله در ویش را  
گشته است پس از استوار و اثبات حکم بقصاص جاری شد در میدان آن شخص قاتل اسبهای خود را سازد  
و آن دیگر را که با او اسبهای نموده بود تنبیه کامل نموده مرنخص ساختند ( در ایام عاشورا صاحب دیوان  
در عمارت دیوانی اساس تعیین داری بر پاداشته بجهت مزید دعا کونی عمر و دولت سکر حضرت اقدس  
هایون شاهنشاهی خلدانه ملکه و سلطانه در بر شرب و روز مجلس ضیافت و مهمانی ترتیب داده عالی و ادله را  
شام و نهار میآید هشته بعد از ادای لوازم تعزیت عای و وام دولت جاوید آیت ختم مجلس میبود در  
در تکیه میدان شاه و تکیه امیر حقاوق نیز بعد از ستاره بنای تعزیه خوانی گذارده بودند و علاوه بر دو چستری  
که هر ساله از دیوان اعلی بجهت صرف تعزیه خوانی دو تکیه مزبوره عنایت می شود صاحب دیوان مسیعی بمصرف مزبور  
در روز عاشورا خود در دو تکیه مزبوره حاضر گشته نخلها نیکه در آن تکایا موجود است هر ساله باز دو جمعیت تمام  
از حرکت داده بر میدارند و بصورت زیادیکوبت و تکیه میکردانند نظر بآنکه صاحب دیوان خود حضور داشت  
شوق مردم زیاد گشته نخلهای آن عقلت را آن چهار وضع اسباب که آن آدینت بودند ز نوبت بگردیدند  
و اگر چه در سنوات سابقه ما بین دستجات حیدری و لغت النبی لامحاله دعوا و نزاع بر پامیست حتی آنکه بعضی  
سالها این نزاع و دعوا منجسته به حال میکردید و نه استه نظر براقبت صاحب دیوان و آمدن خود مغزی لب  
بکایای مزبوره با وجود سی هزار جمعیت که از طرفین جمع گشته بودند صدای احدی بر عوا بلند نگردیده و این معنی  
باعث مزید شکرگزاری و دعا کونی مردم شده است ( دو نفر سارق از لغت بشرا آمده بخانه مدقه بعضی  
اسباب و رخوت در چند سارق بیهوش ساخته بودند و آنرا برداشته عازم معاودت گشته بودند که در غما  
شب آنها را گرفته نگاه داشتند صاحب دیوان می آوردند و حکم مغزی الیه مورد تنبیه کامل کرده مجبور  
میکردند و اموال مسرقه را الهابش ردینند

۲۹۵۰

### اخبار دول خارجه

بوجب اخباریکه از اسکندریه رسیده بوده است در روزناهای فرنگستان نوشه انداز و پورهای قومپانیت  
هندوستان کشتی بزرگی بمستی آلمانی است بسیار با قیمت بوده است که قیمت کشتی و اسباب مخصوص کشتی اقرب  
یک کروبر آورده اند این اوقات نسبت اسکندریه می آمده است هوا انقلاب بهم میرساند و طوفان بر می خیزد  
مزبور بخشی می افتد شکست خورده عرق می شود ساکنین کشتی بسا حل نجات در می آیند اما  
اسباب و اوضاع کلاً لغت میگرد



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی سیاهون

روز پست و دوام شهر صفر لطف موبک حضرت مقرون هیون از تبریز نسبت مراغه توجیه نمود پیکر یکی شهر و عنسوم اعیان و اشرف که خدایان بتبسیه در روز نهفت موبک هیون بجا کپای مبارک شرف شده از مشایعت مشرین رکاب ظفر اشباب سرمنه ازی حاصل نمودند و حضرت اشرف یقه مرحبت بشه کردند در حق تجتهد از جانب سنی الجوا سب هیون عصای مرصع مرجمه بعموم علمای خفت مرحمت آیت شرف اعطایافت و پیکر یکی که خدایان شریف خفت مبارک شاهانه سرخرازی و افتخار حاصل ساخته روز پست و ششم ماه اردوی هیون در مراغه شادالی شهر از صغیر و کپرد و کور و اناناش باخری خوشوقتی تمام باستقبال مشرین رکاب هیون آمده شرف اندوز خاک پای مبارک شدند و شادمانیها نمودند اردوی کیوان شکوه هیون در خارج شهر که بنایت صفا و مهتیا زراد اردو بعموم اطراف پیروزه متوقف گردید ( نظر بآنکه میرزا عباسخان معادن وزارت امور خارج در انجام خدمات مخوله در وقت تمام خارجیه از باچکان منتهای کوشش عمل آورده حسن مکنذاری خود را در پیشگاه حضور مظهر هیون ظاهر ساخته بود از جانب سنی الجوا سب هیون بکلیله نشان از مرتبه دوم مرتبهی بایک رتبه جمایل سیخ در حق او مرحمت گردید

سایر ولایات

خراسان همانخانه در مشهد مقدس برای دارالپستیان فیض آنا از سابق بود این اوقات عضد الملک متولی بابی همانخانه مرزبوره را چون کم وسعت بوده است تغییر داد و همانخانه وسیع بسیار خوب ساخته آمد که مسیبت پیچ نالار و هسنار و پانصد نفر میسر میسر در آنجا بنشینند و آب انبار بسیار خوبی نیز متصل بآن ساخته اند در این